

شهرهای ایران،

از شهرهای کهن تا شهرنشینی امروزی

کتابی است در دو جلد به قطع بزرگ، که جلد نخست آن به سال ۱۹۶۹ و جلد دومش اخیراً، یعنی در اواسط ماه مارس ۱۹۷۳، در پاریس انتشار یافته است. مؤلف کتاب، خانم فردی بمون، اینک در دانشکده ادبیات و علوم انسانی نانتر، در حومه پاریس، تدریس می‌کند. وی که تماس خود را با ایران و جامعه ایرانی از محضر ایرانشناسان^۲ شروع کرده است، مدتی در ایران، در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، کار کرده و زبان فارسی را آموخته است. از اینرو توانسته است از منابع ایرانی استفاده کند و در ایران به مشاهده و تحقیق بپردازد.

جلد اول کتاب **شهرهای ایران** در ۳۰۵ صفحه تنظیم شده و دارای یک دیباچه، یک مقدمه با دو ضمیمه، هفت فصل و نتیجه‌گیری است. ۶۳ نقشه، ۶ نمودار و ۵۱ عکس از مناظر شهرها و جداول آماری متعدد بر اهمیت و فایده کتاب افزوده و فهم مطالب آن را آسان کرده است. در پایان جلد اول، علاوه بر یک فهرست ادوارتاریخی و حکومت سلسله‌ها در ایران، یک فهرست منابع آمده است که در آن ۳۵۷ منبع مورد استفاده مؤلف معرفی شده است.

جلد دوم دارای ۳۷۶ صفحه است بدین شرح: دیباچه، مقدمه با چهار ضمیمه، پنج فصل، نتیجه‌گیری کلی، فهرست تحلیلی و انتقادی ۲۲۵ متن مربوط به ایران که تحت عناوین جغرافیا، مسائل شهری و شهرها، جاده‌ها، تاریخ و تمدن، مسائل اجتماعی - اقتصادی، هنرها و باستانشناسی، سفرنامه‌ها و خاطرات، و سرانجام اسناد بایگانیها مرتب شده است. جلد دوم نیز دارای ۱۷ نقشه، ۱ نمودار و ۴۳ عکس از مناظر ایران است.

مؤلف مقدمه جلد اول کتاب را تقریباً به بیان مبانی نظری تحقیق خویش درباره

1. Fredy Bémont, *Les Villes de l'Iran, Des Cités d'autrefois à l'urbanisme contemporain*, Tome I, Paris 1969; Tome II, Paris, 1973.

۲. در مقدمه جلد نخست از کسانی چون هانری ماسه، هانس بوبک، رنه گروسه، پل ماسن - اورسل و آندره گدار نام می‌برد و از آنها تشکر می‌کند.

شهرهای ایران اختصاص داده و از عوامل مؤثر در پیدایش، دگرگونی و نابودی شهرهای ایران، مانند عوامل جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی، یکایک بحث کرده، و سرانجام علل متعددی را در پسرفت و نابودی شهرهای ایران مؤثر دانسته است. در فصل نخست جلد اول، اوضاع و احوال سیاسی و اقتصادی حاکم بر شهرهای ایران از ۱۷۷۶ تا ۱۹۶۶، در سه دوره تاریخی اخیر، مورد بحث قرار گرفته است. فصل دوم به بررسی جنبه‌های گوناگون مسائل جمعیتی ایران مانند افزایش جمعیت کشور از قرن ۱۸ تا ۱۹۶۶، توزیع جمعیت شهری در قرن بیستم، تقسیمات اداری، پراکندگی کنونی شهرها، توزیع شغلی جمعیت شهرنشین، و سرانجام سطوح زندگی شهرنشینان و انواع شهرهای ایران، اختصاص یافته است. در فصل سوم تا هفتم کتاب چند شهر مهم ایرانی، مانند تهران، شهرهای مذهبی، مانند مشهد، قم، اردبیل، شهرهای کناره دریای مازندران و گرگان، بنادر غیر نفتی ایران، مانند بندر پهلوی، بنادر خلیج فارس، مانند بندر عباس، بوشهر، خرمشهر و بندر شاهپور، و سرانجام شهر آبادان به تفصیل و پاره‌ای دیگر مانند شهرهای تبریز، اصفهان، همدان، کرمانشاه، شیراز، کرمان، یزد، قزوین و زاهدان به اجمال مورد بررسی قرار گرفته است.

جلد دوم کتاب با مقدمه‌ای شروع می‌شود که در آن تحولات جدید و قوانین توسعه و عمران شهری و شهرداریها مطرح شده است. در ضمایم مقدمه اوضاع اقتصادی و بازرگانی و تحولات صنایع نفت، نساجی، برق، سیمان و معادن، کشاورزی؛ حمل و نقل و ارتباطات؛ آموزش و پرورش و مسائل بهداشتی و درمانی به اختصار و با استناد به آمارها و مدارک موجود بررسی شده است.

فصول اول تا پنجم جلد دوم به بررسی عمیقتر و مفصلتر چندین شهر ایرانی، که مطالعه آنها در جلد نخست یا به اختصار برگزار و یا مسکوت گذارده شده بود، مانند شهرهای اصفهان، تبریز، رضائیه، شیراز، کرمانشاه، همدان، اهواز، رشت، کرمان، یزد و زاهدان اختصاص دارد. در بررسی هر یک از این شهرها، مؤلف معمولا پس از شرح محیط جغرافیایی و موقع شهری به پیدایش شهر و تحولات تاریخی آن اشاره کرده و آنگاه دامنه بحث را به وضع موجود شهرها می‌کشاند و سرانجام در یک نتیجه‌گیری کوتاه حاصل مطالعه خویش را درباره اهمیت و نقش شهر مورد بررسی بیان می‌کند.

بررسی انتقادی کتاب:

بررسی انتقادی کتاب مفصلی مانند شهرهای ایران نیازمند حوصله و فرصت بیشتر است. این کتاب در حقیقت نخستین اثری است که با این برداشت وسیع درباره شهرهای ایران نوشته شده است و هدف آن، چنانکه مؤلف خود در دیباچه جلد اول یاد کرده، عبارتست از «شرح فراز و نشیب‌هایی که شهرهای ایران در طی ۲۵۰۰ سال،

بویژه از ۱۷۷۶ تا امروز، طی کرده‌اند. ۳. بنابراین، بررسی انتقادی کتاب، نه تنها مستلزم مقابله نظریات و نتیجه‌گیریهای آن با گنجینه معارف گذشته ایران در زمینه جغرافیای شهری و شناخت شهرهاست، بلکه نیازمند تطبیق با داده‌های کنونی و روند تحولاتی است که خطوط کلی آنها در طی مطالعات ده پانزده سال اخیر کمابیش شناخته شده است. ۴. لکن یک نگاه اجمالی به روش کار مؤلف و مبانی نظری تحقیق او شاید تا حدودی زمینه را برای یک بحث مفصلتر و تحلیلیتر درآینده فراهم کند.

مؤلف درباره روش کار خود در دیباچه جلد اول چنین می‌نویسد:

«پیش از نگارش این اثر، ما یک تحقیق طولانی را آغاز کردیم و حدود ۳۶۷ متن را، که در فهرست منابع پایان جلد اول آمده است، خواندیم، و تقریباً ۴۰ متن دیگر را که در طی فصول از آنها نام برده شده است، مطالعه کردیم.

«لکن ما تنها به جمع‌آوری این داده‌ها اکتفا نکردیم بلکه با دیدار از چندین مرکز شهری تحقیقات دقیقی در آنها انجام دادیم، بدینسان درستی و نادرستی آمارهایی را که پیش از آن به دست آورده بودیم سنجیدیم.

«گذشته از اینها، تا روپود شهری محلات متفاوت، و ساختمانها (مصالح ساختمانی، سبک معماری، و جنبه‌های هنری) شهرها را خود بررسی کرده‌ام و رفت و سایط نقلیه در شهرها و موارد مربوط به حمل و نقل را مورد مشاهده مستقیم قرار داده‌ام. مشارکت در زندگی روزانه شهرنشینان مناطق متفاوت ایران، معاشرت با خانواده‌های ایرانی از طریق دوستان و آشنایان، اقامت در مسافرخانه‌هایی که غالباً مورد اعتنای خارجیان نیستند، سفرهای داخلی با اتوبوس و اتومبیل، و آمیزش با انبوه رهگذران، زایران و مردم عادی کوچه و بازار نیز بخشی از مطالعات ما بوده است.» ۵

مؤلف که مطالعه و تحقیق خود را در حوالی سال ۱۳۴۰ آغاز کرده و به هنگام نگارش جلد اول کتاب، چنانکه خود یادآوری می‌کند، فقط از نتایج مقدماتی سرشماری ۱۳۴۵ کشور آگاهی داشته و از آنها استفاده کرده است، برای تکمیل اطلاعات و مشاهدات محلی و تدوین جلد دوم کتاب در سالهای ۱۳۵۰-۵۱ سفرهای پژوهشی دیگری در شهرها و مناطق ایران انجام داده، و بدینسان از داده‌های کامل آخرین سرشماری و نتایج تحولات اخیر اطلاع یافته است. ۶.

۳. جلد اول، ص ۹.

۴. جامعه‌شناسی شهری در ایران با تأسیس «مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی» در دانشگاه تهران آغاز شده و بعدها مطالعات جنبی از نوع بررسیهای اقتصادی - اجتماعی شهرها به منظور تهیه طرحهای راهنما و طرحهای جامع شهری برداشته و غنای آنها افزوده است.

۵. جلد اول، ص ۱۰.

۶. تا آنجا که من می‌دانم بخش مهمی از این سفرها با کمکهای مؤثر مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی انجام گرفت که مؤلف از آن نکته ذکر می‌کند به میان نیاورده است.

بنابراین، روش کار مؤلف، صرف نظر از تحقیقات و مشاهدات عینی، بررسی و تحلیل اسناد و مدارک موجود درباره شهرهای ایران بوده است. فهرست این مآخذ و منابع نشان می‌دهد که اغلب آثار معتبر و اسناد جدید مورد مراجعه و استفاده مؤلف قرار گرفته است. آنچه بر اهمیت کار مؤلف در این زمینه می‌افزاید معرفی انتقادی ۲۲۵ متن مربوط به ایران است که در آخر جلد دوم کتاب آمده است. این بخش از کتاب برآستی می‌تواند ابزار کار بسیار مفیدی برای همه پژوهندگان در زمینه شناخت شهرهای ایران باشد، گواينکه نظرات مؤلف محترم در معرفی آثار مورد بحث در همه موارد پذیرفتنی نیست و گاه نادرست می‌نماید. از آن جمله است نقد و بررسی یکی از تحقیقاتی که در سالهای اخیر در بخش جامعه‌شناسی شهری مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی درباره بازارهای معاملات زمین و تأثیر آن بر جامعه شهری تهران انجام گرفته و اخیراً به زبان فرانسه در پاریس منتشر شده است. هدف تحقیق مورد بحث درباره تهران، چنانکه از نام و عنوان آن پیداست، بررسی جامعه شهری از دیدگاه تأثیر معاملات و سوداگری زمینهای شهری بوده که هنوز هم پس از گذشت سالیان دراز از مسائل حاد تهران به‌شمار می‌رود، چندانکه دولت به فکر چاره‌جویی جدی در این زمینه و پیداکردن راههای نظارت واقعی بر معاملات زمین و جلوگیری از تأثیرهای بد آن بر زندگی اقتصادی و اجتماعی ساکنان پایتخت افتاده است. بنابراین، تأکید بر اهمیت مسأله سوداگری زمین و نقش تعیین کننده آن در جامعه شهری، به خلاف نظر مؤلف، ناشی از منحصرکردن همه مشکلات و مسائل شهری به موضوع معاملات زمین و نادیده گرفتن عوامل دیگر نبوده است، بلکه مبین اهمیت مطلب از لحاظ طرح مسئله و هدف تحقیق بوده است. رویهمرفته، خواننده با مطالعه نظر مؤلف کتاب شهرهای ایران درباره تحقیق بازار زمین و جامعه شهری در تهران احساس می‌کند که اظهار نظر وی تا حدودی ناشی از تعصب شخصی است.

مبانی نظری و نتیجه‌گیری‌های مؤلف

پیشتر اشاره کردیم که مؤلف کتاب شهرهای ایران خطوط کلی نظریه‌های خویش درباره پیدایش، پسرقت یا پیشرفت شهرهای ایران را رویهمرفته در مقدمه جلد اول کتاب آورده است.

مسائل مورد بحث در مقدمه جا به جا به کم کم نتیجه‌گیری‌های جزئی یا کلی کتاب تکمیل شده است. بنابراین، برای ارائه نظریات مؤلف در این زمینه، به بررسی بخشهایی از مقدمه و نتیجه‌گیری‌های وی می‌پردازیم.

مؤلف بحثهای نظری خود را در مقدمه، زیر چهار عنوان کلی آورده است:

الف. نقش شرایط جغرافیایی در انتخاب محل شهرها.

ب. تغییر مکان حوزه‌های شهری به پیروی از تغییرات محورهای اقتصادی و سوق‌الجیشی.

پ. مشکلات قومی و اجتماعی.

ت. تعدد علل پسرفت، زوال و نابودی بسیاری از مراکز شهری.

در زیر عوامل جغرافیائی، مؤلف از آب، شرایط اقلیمی، پستیها و بلندیها و سرانجام موقع استوار دفاعی شهرها نام می‌برد. بحث مؤلف از عامل آب، طبق معمول، با استناد به گفته معروف «هرجا آب هست آبادی هم هست» شروع می‌شود. مؤلف در ذکر اهمیت این مسئله به اکتشافات باستانشناسی و محل نخستین آبادیها اشاره می‌کند و با استناد به کشفیات استادان دانشگاه پنسیلوانیا (در سالهای ۱۹۴۹ - ۵۱) یادآوری می‌کند که دشت مازندران از ۱۰۰۰۰ سال پیش مسکن اقوامی بوده است که مرحله جمع‌آوری خوراک را پشت سر گذاشته بودند (ص ۱۲). رویهمرفته، از توضیحات مؤلف پیداست که وی در بررسی تأثیر آب، دو مسئله، یکی آبادی به معنای اعم و دیگر نوع خاصی از آبادی، یعنی شهر، را باهم تا حدودی می‌آمیزد و فرق میان این دو را روشن نمی‌کند. منابع طبیعی آب، مانند چشمه و در مواردی رودخانه، هرچند در پیدایش آبادی و توسعه مناطق مسکون در ایران مؤثر بوده، لکن تأثیر آن در پیدایش شهرها وجهی دیگر داشته است. تأسیس شهرهای بزرگ در ایران با دسترسی به منابع طبیعی آب چندان رابطه‌ای نداشته است. منبع آب آشامیدنی و حتی آب برای کشاورزی در پیرامون بسیاری از شهرهای فلات ایران بیشتر چاه و بویژه قنات است که وجود هردو مستلزم تکنیک پیشرفته در کار مهار کردن آبها و بهره‌برداری از آبهای زیرزمینی است. روشن کردن این نکته اهمیت بسیار دارد، زیرا بررسی ماهیت این تکنیک، بخصوص در مورد امر قنات، پیدایش شهر را از صورت یک عامل جغرافیائی محض خارج کرده و در قلمرو عوامل سیاسی-اجتماعی درمی‌آورد، چراکه ایجاد، نگهداری، و توسعه قنات مستلزم دخالت یک قدرت مسلط است.

از لحاظ شرایط اقلیمی، مؤلف نتیجه می‌گیرد که اقلیم عامل مهمی در پیدایش شهرها نیست زیرا حتی در بدترین شرایط اقلیمی شهرها و آبادیهای متعدد وجود دارد و هیچ ولایتی را نمی‌توان در ایران یافت که شرایط اقلیمی مساعد آن بر شرایط اقلیمی نامساعدش غلبه داشته باشد (ص ۱۵). رطوبت زیاد یا خشکی بیش از حد در هیچ جای ایران مانع بناکردن شهرها نشده است (ص ۱۷).

همین نکته در مورد پستی و بلندی و شکل خارجی زمین نیز صادق است. بلندی زمین هیچگاه مانع بناکردن شهرها نبوده بلکه، برعکس، نخستین آثار سکونت نشان می‌دهد که آبادیهای مهم را غالباً در جاهای بلند برپا می‌کرده‌اند: تسخیر-ناپذیری پشتکوه عاملی بود که کاسیها را به سکونت در این ناحیه تشویق می‌کرد (ص ۱۸).

از اینجا می‌توان به موقعیت دفاعی شهرها پی برد. غالب شهرهای ایران در

مناطقى قرار دارند که از لحاظ نظامی و دفاعی دستیابی به آنها دشوار است: یردی خواست بر فراز یال کوه و مشرف بر پرتگاه قرار دارد؛ خرم آباد بر بالای صخره‌ای نهاده شده است، و همچنین بسیاری دیگر. اهمیت عامل دفاعی در رونق یافتن شهرها را می‌توان در تعدد پایتختهای کشوری فلات ایران بخوبی دید: این تعدد از آنجا ناشی می‌شود که در هیچ نقطه از فلات، مرکزی را نمی‌توان سراغ کرد که از آن بتوان دفاع تمامی کشور را سازمان داد (ص ۱۹). مؤلف در همین زمینه به جنبه‌های ضعف و قدرت ایران و پایتختهای آن اشاره می‌کند. مسانیان برای دفاع در برابر هونها، کناره‌های ترکستان کنونی را دیوار کشیده بودند، تیسفون در غرب یک مرکز دفاعی برای نظارت بر حرکات روم و بعدها بیزانس بود، لکن حمله عرب از جنوب، شکافی را که پیش‌بینی پذیر نبود در این طرح دفاعی وارد کرد. صفویه، که در اصفهان از حملات ترکمنها در امان بودند و در مقابل شیخون ترکمنها و ازبک‌ها از جانب شمال ایستادگی می‌کردند، گرفتار حمله افغانها از جنوب شرقی شدند و از پای درآمدند (ص ۱۹)، و مانند اینها.

آنچه مؤلف درباره شرایط اقلیمی و موقعیت دفاعی شهرها می‌گوید در واقع تأیید کننده نکته‌ای است که ما در بحث از عامل آب و تأثیر قنات عنوان کردیم. به عبارت دیگر، تأسیس شهرها به رغم شرایط اقلیمی نامساعد و با توجه به جنبه‌های دفاعی آنها بازگوکننده این حقیقت است که شهر در ایران پیش از هر چیز یک پدیده سیاسی است. و این نکته‌ای است که از دید مؤلف دور مانده است. از اینرو وی در بسط اندیشه‌های خویش در مورد عناصر اساسی مؤثر در پیدایش شهرها، به قول معروف، کوتاه می‌آید و دامنه بحث را تا سرحد منطقی آن پیش نمی‌برد. به عنوان مثال، مسئله موقعیت دفاعی شهرها را باید بیشتر شکافت و آن را در دوزمین یا در دو سطح در نظر گرفت: یکی پیش از استقرار امپراتوری و قدرت متمرکز سیاسی در ایران، و دوم مرحله استقرار قدرت متمرکز سیاسی. پیش از استقرار قدرت متمرکز سیاسی نیاز به عنصر دفاعی بیشتر ناشی از کشاکش اقوام یا انواع تمدنها، مانند چادرنشینی و سکونت‌دایمی، بود. به نظر ما، بررسی سیر حوادث در این دوره نشان می‌دهد که پیدایش شهرها و حوزه‌های شهری بیشتر ناشی از برخورد قدرتهای منطقه‌ای و قبیله‌ای است که پیش از تشکیل امپراتوری در ایران تقریباً به شکل مثلث ماد، پارس و پارت تحقق یافته بود. شهرهای مهم قدیمی ایران نماینده مراکز قدرت در این تقسیم‌بندی مثلثی هستند که مداومت آن در دوره‌های بعدی تاریخ ایران به صورت تعدد پایتخت‌های شمالی و جنوبی از نظر احساس ضرورت نظارت قدرت مرکزی بر تمامی کشور و جلوگیری از سرکشی قدرتهای محلی و قبیله‌ای شکل گرفته است.

در دوره استقرار قدرت مرکزی و امپراتوریها، این مسئله نه تنها در انتخاب پایتخت‌ها بلکه حتی در ایجاد و توسعه شهرها و ساختن و برپا کردن شهرهای جدید

به شکل منظم و سازمان یافته پدیدار می شود.^۸ شهر دیگر از صورت يك امر خود به خودی یعنی تراکم و توسعه تدریجی اجتماعات مسکونی، خارج شده شکل يك پدیده متمرکز و منظم را به خود می گیرد که سازمان دهنده آن در حال قدرت سیاسی متمرکز است.

مؤلف درباره تأثیر تغییر محورهای اقتصادی در زندگی شهرها می نویسد که جریان دادوستد اقتصادی تعیین کننده حرکت شهرها بوده و با پسرقت یا زوال آن بسیاری از شهرها نیز رو به نابودی رفته اند (ص ۲۱). در اینجا مؤلف از ماهیت تجارت و شکل سازمان یافته و منظم آن زیر نظارت قدرت سیاسی بحثی نمی کند هر چند که تذکر می دهد: «هر بار که ایران به دست فرمانروای جدیدی می افتاد یا سلسله جدیدی بر سر کار می آمد، جهت تجارتش نیز تغییر می کرد» (ص ۲۱). این مطلب نشان می دهد که تجارت به صورت سازمان یافته با نظام قدرت ارتباط داشت. موج پیشرفت شهرنشینی و شهرسازی، که پژوهندگانی چون گیرشمن از آن یاد می کنند، پدیده ای است که پا به پای راهها و مسیرهای کاروانی منظم و سازمان یافته در ایران کهن توسعه یافته است. زیرا تجارت دور دست در مناطق خشک و بیابانی مستلزم عبور از راههای دور و دشوار و روبروشدن با خطرات بیشمار بود و این مسئله، وجود قدرت و عوامل سیاسی نیرومندی را برای تأمین امنیت راههای کاروانی و کارکرد تجارت ضروری می ساخت. شهرها، در حقیقت، «کلنی» های اداری-نظامی بودند که در عین حال وظیفه پیشبرد تجارت و آسان کردن آن را به عهده داشتند.

مؤلف پیش از آنکه از تلفیق عوامل متعدد و تأثیر مجموعه آنها در پیدایش و تحول شهرها یاد کند به تعدد قومی و اجتماعی ایران، به بی ثباتی اجتماعی که ناشی از هجومهای مکرر بیگانگان و کشاکش دایمی اقوام ساکن و چادر نشین بود، اشاره می کند و نتیجه می گیرد که این بی ثباتیها عامل مؤثری در بوجود نیامدن یگانگی اجتماعی و قوام نگرفتن بنیان تاریخی-اجتماعی شهرها بوده است. نکته قابل ذکر در این مورد اینست که مسئله تعدد قومی و اجتماعی، با آنکه در مقدمه کتاب در حکم عوامل مؤثر عرضه شده است، در ضمن بحث بیشتر به عنوان معلول معرفی شده است تا علت.

از آنچه گفته شد می توان نتیجه گرفت که ضعف اساسی در مبانی نظری کار مؤلف اینست که وی عناصر متفاوت و مختلف توصیفی را در يك قالب تحلیلی و ترکیبی جامع نریخته و از مجموع آنها خطوط کلی يك موضوع جامعه شناختی درباره شهرهای ایران ارائه نداده است. بررسی عوامل زیربنایی شهرها، یعنی لزوم برپا

۸. نگاه کنید به گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، نگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۳۶. و نیز رجوع شود به کتاب زیر:

N. Pigulevskaya, *Les Villes de l'Etat iranien aux époques Parthe, et Sassanide, contribution à l'histoire sociale de la bosse antiquité*, Paris-Mouton-La Haye, 1963, 266 P.

کردن تأسیسات زیربنایی مانند قناتها، آب انبارها، کاروانسراها، و تأسیسات دفاعی، لزوم حفظ و حراست از شهرنشینان در برابر حملات مداوم، نقش نظارت کننده و ارتباطی شهرها در هر شبکه راهها می‌باید به یک نتیجه‌گیری مهم بینجامد و آن اینکه: در جامعه‌ای بامشخصات اقلیمی فلات ایران که تراکم اقتصادی-اجتماعی و تمرکز جمعیت در آن با موانع جدی طبیعی رو به پروست، شهرنشینی و ایجاد اجتماعات متمرکز انسانی یک کار زیربنایی عظیم است که تحقق آن مستلزم دخالت قدرتی قوی و کاربرد تکنیکهای مؤثر است. از اینرو شهر هم از آغاز یک پدیده سازمانی بوده است که الزامات سازمانی‌اش آنرا، بویژه در جامعه‌ای ماقبل صنعتی، دقیقاً با نظام قدرت پیوند می‌دهد. همین خصصت سیاسی شهرهاست که از لابلای خطوط تحولات تاریخی شهرهای ایران، از ساخته شدن و خراب شدن پیایی شهرها،^۹ از انحطاط یا رونق آنها در رابطه با فراز و نشیبهای قدرت بخوبی پدیدار است، چرا که مؤلف از بررسیهای خود درباره شهرهای مهم ایران به نتیجه‌گیریهای زیر می‌رسد:

۱. «اصفهان، پایتخت امپراتوری ایران: «درخشانترین دوره آن در قرون جدید بود؛ پس از ویران شدن آن در ۱۷۲۲، این شهر تا ثلث دوم قرن بیستم قدر راست نکرد؛ از این تاریخ به بعد است که اصفهان ناگهان دومین شهر ایران می-شود؛ اینک ذوب آهن و صنایع فولاد این شهر، که مهمترین مرکز در نوع خود در خاورمیانه است، نیرو و جاذبه‌ای به اصفهان می‌دهد که با قدرت جاذبه آبادان در اوایل قرن بیستم قابل مقایسه است.»

۲- تبریز، تنها مورد از شهرهای ایران است که به رغم زلزله‌ها و حملات پیایی دشمنان خارجی همواره پابرجا ایستاده و حتی از لحاظ اقتصادی، در قرن بیستم، از پایتخت جلو افتاده است. در میانه قرن بیستم، تبریز دچار نوعی بحران داخلی گردید که نشانه‌هایی از زوال و پسرفت را در آن آشکار کرد. اینک شهر برمشکلات خود غلبه کرده و از هر جهت در حال توسعه و شکوفائی است.»

۳. «شیراز، جانشین استخر شد که خود آن موقعیت پرسپولیس را به ارث برده بود. بنابراین، شیراز محسوسترین پیوندها را با سلسله‌های بزرگ ایران قدیم دارد؛ در دوران اسلامی این شهر پایگاه شعر فارسی و گهواره سنن ایرانی بود؛ هر چند شیراز در دوره زندیه رونق بسزا یافت، لکن بعد از آن به نوعی رکود و سکون عمومی مبتلا گردید. اینک شهر شیراز در حیات فرهنگی و اقتصادی کشور نقش اساسی به عهده دازد.»

۴. «کرمانشاه، که منشأ آن به دوران پیش از اسلام مربوط می‌شود، هرگز پایتخت نبوده و در طی قریب به دو هزار سال به دلیل تغییر محورهای اقتصادی و سوق الجیشی فراز و نشیبهای متعدد داشته است. اما از بیست سال پیش به اینطرف،

۹. مؤلف می‌نویسد: «طبق محاسبات ما تقریباً ۵۰۰ شهر در ایران بنا شده که اینک بیش از صد شهر از آنها باقی نمانده است (ص ۳۲).

این شهر به‌عنوان مرکز صنعتی و کشاورزی، مقام مهمی را حائز شده است.»
 ۵. «همدان، نخستین پایتخت هند و اروپایی، سرنوشتی مشابه کرمانشاه داشته است. اینک از لحاظ اجتماعی در حال ترقی است لکن هنوز نقشی برجسته که موجب اعتبار آن شود، ندارد.»

۶. «اهواز، که تنها بندر ایرانی برای کشتیرانی داخلی است، مانند دیگر شهرهای کنونی خوزستان (به‌استثنای شوش در عهد قدیم) هرگز پایتخت نبوده است. این شهر اخیراً بر رقبای خود، مانند دزفول و شوشتر که از آن پیشرفته‌تر بودند، پیشی گرفته و با بهره‌برداری از منابعی جز نفت تقریباً بر همه ایالت خوزستان حتی بر آبادان مسلط شده است.»

۷. «رشت، دارای وضعی مبهم است. هرچند که قرن‌هاست که به‌عنوان پایتخت ایالتی گیلان کار می‌کند. این شهر برکنار از هیاوو و در رابطه با توسعه یکپارچه منطقه به آرامی گسترش می‌یابد و می‌کوشد تا با هر نوع دخالت خارجی مبارزه کند.»
 ۸. «قزوین، که پایتخت موقت ایران در قرن شانزدهم بود، به‌سرعت فراموش شد و تا دهه‌های اخیر فقط توانست پا برجا بماند و به‌زیست خود ادامه دهد. اینک از لحاظ صنعتی و اقتصاد روستایی در حال ترقی است و با «البرز» که درکنار آن قرار دارد و اکنون دارای حدود ۳۰ کارخانه است و قرار است حدود ۱۶۰ کارخانه دیگر را درخود جای دهد، تبدیل به یکی از مراکز صنعتی مهم ایران می‌شود.»

۹. «کرمان، از دورافتاده‌ترین پایتخت‌های ایالتی است که در منطقه‌ای نیمه بیابانی قرار دارد، از پایگاه‌های زرتشتیان بوده است. کرمان که تا ده سال پیش وضعی مبهم و ناتوان داشت، اینک در حال خروج از دورافتادگی و رهایی از خشکی اقلیم است.»

۱۰. «یزد، از لحاظ جغرافیائی شبیه کرمان است و مانند این شهر از مراکز زرتشتیان بوده است. فقط از دو سال پیش به‌اینسوی مرکز استان شده و اینک در مرحله انتقالی است.»

۱۱. «زاهدان، آخرین پایتخت ایالتی است که اخیراً بدین مقام رسیده و از آبادان اندکی جوانتر است. شهر در قلب منطقه‌ای بیابانی در میان دو منطقه آباد قرار دارد. شهر اخیراً توسعه یافته و از لحاظ شکل ظاهری، جنبه‌های فرهنگی و موفقیت در اسکان عشایر پیرامون خود گام‌هایی به‌جلو برداشته است. زاهدان، که اینک مرکز استان است، هنوز صنعتی نشده است.»

براین فهرست می‌توان نام‌های متعددی را افزود، نام‌هایی که شاید تا چند سال پیش وجود خارجی نداشتند یا فقط مرکز روستایی ساده‌ای بودند که حیاتی فوق‌العاده ابتدایی را می‌گذرانند. بر فهرست ویژگی‌های شهرها نیز می‌توان عناصر دیگر افزود یا آنچه را که مؤلف گفته است کم و زیاد کرد. لکن همین

۱۰. ظاهراً مقصود همان بخش صنعتی و کارخانه‌ای در کنار قزوین است.

فهرست و مشاهده تحولات اخیر خود مؤید آنچیزیست که در باره گذشته گفتیم: محورهای شهرنشینی و توسعه شهرها همچنان در رابطه با نظام اقتصادی-اجتماعی و به تبعیت از گرایشهای قدرت مرکزی شکل می‌گیرد و توجیه می‌شود.

* * *

کتاب شهرهای ایران از لغزشهای چاپی و غیرچاپی خالی نیست. غلطنامه جلد اول کتاب خود نیازمند غلطنامه‌ای دیگر است، زیرا در مواردی نشانه‌های مؤلف زاید و گمراه‌کننده است، مانند مورد اول که در غلطنامه با نشانه t (یا جدول) مشخص شده و حال آنکه در صفحه مربوط جدولی وجود ندارد؛ یا مورد سوم در ص ۴۶ که به یادداشت شماره ۴۹ مراجعه داده شده و چنین یادداشتی در آن صفحه موجود نیست؛ یا در مورد هفتم که غلطنامه به جدول ۱ ص ۱۱۱ رجوع داده و حال آنکه می‌بایست به سطر ۲۱ همان صفحه اشاره کند؛ یا موارد نهم و دهم غلطنامه که با نشانه‌های داده شده نمی‌توان آنها را پیدا کرد، و مانند اینها. ضبط نامهای فارسی نیز در همه موارد درست نیست، مانند کلمه‌های «مسافرخانه»، «دشت سلدوز» و «گروس» در آذربایجان و نام «بیرچند» که به غلط به صورت‌های Mouzzafferkhaneh، Birdjan و Gherouz، Soldoriz ضبط شده است.

اما این کم و کاستیها و آنچه ما در مورد مبانی نظری کتاب شهرهای ایران گفتیم از اهمیت و فایده این اثر مهم نمی‌کاهد. مؤلف برآستی زحمتی ستودنی کشیده و اثری پدید آورده است که از لحاظ جامعیت اطلاعات و برداشت مسائل تاکنون سابقه نداشته و ابزار کار و راهنمای ارزنده‌ایست برای همه محققان و شهرشناسان ایرانی.

باقر پرهام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی